



بخش خصوصی؛

رحم دار رشد و شکوفایی اقتصادی کشور



گفت و گو با دکتر بهروز علیشیری - معاون وزیر اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران

دکتر بهروز علیشیری - متولد سال ۱۳۴۲ است و دانش آموخته رشته علوم ارتباطات اجتماعی (مقطع کارشناسی)، و رشته های جامعه شناسی با گرایش های پزشکی و توسعه (دو مقطع کارشناسی ارشد)، رشته جامعه شناسی اقتصادی و توسعه (مقطع دکترا) است .

وی دارای سوابق فعالیت متعددی به عنوان مدیر ، کارشناس و مدیر کل در مراکز همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، شرکت نیمکره توسعه، سازمان سرمایه گذاری، موسسه تحقیقات اجتماعی و اقتصادی المیزان بوده است و در حال حاضر به عنوان معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران به فعالیت های خود ادامه می دهد.

دکتر علیشیری کتابها و مقالات متعددی به چاپ رسانده است که در این زمینه می توان به کتاب هایی تحت عنوان "نظام جهانی و جهانی شدن" و "چرخ های طولانی مدت رونق و رکود در اقتصاد جهانی" که در حال چاپ می باشد، اشاره داشت. مقالات زیادی از ایشان به چاپ رسیده است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- چالش های فراروی سیستم بین المللی

۲- توسعه و یکپارچه سازی جهانی در سرمایه گذاری مستقیم جهانی

۳- نگاه تحلیلی و مقایسه ای به آینده سقوط و صعود سرمایه داری

مجوز سرمایه گذاری در بخش های ۷ ل سرمایه خارجی و کمک به آنها چه اقداماتی انجام می دهد؟

تعداد مجوزهایی که از سوی سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران از سرمایه گذاران دریافت می شود؛ اندک است و حداقل مجوزها دریافت می شود. مثلاً بنگاهی که تصمیم دارد در یک زمینه صنعتی به فعالیت بپردازد، ابتدای امر یک مجوز از اداره صنایع استان ذیربط دریافت

جهانی

۴- تجدیدنظر در مورد تقسیم کار جهانی

۵- تجدید نظر در مورد تقسیم کار جهانی

بر خلاف برخی از مدیران دولتی که انجام یک مصاحبه را به هفته ها و گاه ماه های آینده موکول می کنند؛ با صمیمیت و سادگی خاصی ، پذیرای ما در ساختمان تحت مدیریت خود می شود و این گفت و گو که قرار بود یک ساعته باشد تا چندین ساعت ادامه پیدا می کند.

وی در این گفت و گو به محور حرکات و فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و نقش دولت از یک نقش تصدی گر توانمند به نقشی صرفاً پرورش گر و قابله گر، مراحل دریافت مجوز سرمایه گذاری و اقدامات انجام شده توسط سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران اشاره مفصل دارد و در زمینه هر یک از این موضوعات به ذکر دیدگاه ها و همچنین قوانین موجود در زمینه سرمایه گذاری می پردازد.

امید است این گفت و گوی مفصل و صمیمانه که به دور از هر گونه تشریفات اداری مرسوم انجام پذیرفت؛ تصویر مناسبی از وضعیت موجود اقتصاد کشور و فعالیت های موجود در بحث جذب منابع مالی بین المللی را به خوانندگان عرضه کند.

است زیرا ساختار ، نحوه گردش کار و نظام دیوانی اقتصاد ما باید پاسخگوی فعالان اقتصادی عرصه بخش خصوصی باشد. به این معنا که اگر بخش خصوصی یک طرح تجاری را آماده می کند و تصمیم بگیرد بر اساس آن پروژه خود را اجرا نماید؛ اگر در جدول زمانی ، فرآیند آغاز کار سال ۱۳۸۹ تعیین کرده باشد ، با وجود فرآیند طولانی و زمان بر صدور مجوزها، تمام محاسبات سرمایه گذار بر هم می ریزد، هزینه های برآوردی طرح افزایش

می یابد و اثرات تومی بر روی پروژه به وجود می آید و گردش کار، کند می شود.

آیا اقداماتی برای بهبود صدور مجوزها صورت گرفته است و این اقدامات چقدر مؤثر بوده است؟

با ابلاغ سیاستها و قانون اصل ۴۴، محور حرکات و فعالیت اقتصادی بخش خصوصی است و نقش دولت از یک نقش تصدی گر توانمند تبدیل به نقشی صرفاً پرورش گر و قابله گر می شود. این

امر به معنای یک نگاه مجدد و تغییر دیدگاه ها می باشد. به اعتقاد من اثرات اقتصادی و اجتماعی اصل ۴۴ بسیار عمیق می باشد. بدین ترتیب دیگر نمی توان نسبت به خواسته های بخش خصوصی بی تفاوت بود و مجوزها به همان صورت زمان بر ارائه شود. براساس ماده ۷ سیاستهای اصل ۴۴، باید اقداماتی جهت توانمند شدن بخش خصوصی انجام گیرد تا بخش خصوصی توأمند و فربه داشته باشیم. در حال حاضر بخش خصوصی کشور حالت جوانه دارد و تعداد بخش خصوصی توانمند بسیار انگشت شمار است. وظیفه دولت، آفریدن است. بخش خصوصی مانند یک جوانه باید در گلخانه قرار گیرد و پس از رشد و تقویت از گلخانه خارج شود. وظیفه مهم دولت خلق فرزندان در بخش خصوصی است که رشد نمایند و ظرفیتهای نهادهای خود را ارتقا دهند. بر اساس ماده ۷، دستگاه های دولتی باید ظرف مدت ۱۰ روز به کلیه بنگاه های اقتصادی خواستار مجوز، پاسخ دهند در واقع، ظرف ۱۰ روز باید مدارک متقاضی را مورد بررسی قرار دهند و پاسخ ارائه نمایند و ظرف یک ماه مجوز صادر شود و قراردادهای مرتبط منعقد گردد و در حقیقت این عملکرد یک انقلاب رفتاری و نهادی است. پس با ایجاد این نگرش که بخش خصوصی دارای اولویت است و باید محور فعالیتهای اقتصادی کشور شود؛ دولت باید به تدریج بسترسازی نماید و یکی از بسترهای مهم این است که زمان صدور مجوزها به حداقل برسد.

از طرفی بر اساس همین ماده کلیه فرایندها و گردش کار صدور مجوزهای کسب و کار، توسط کلیه دستگاه ها در کتاب سرمایه گذاری انتشار یافته است. زمان، مدت و هزینه های صدور مجوز در این کتاب احصاء شده است. هیچ دستگاهی نمی تواند بیش از آنچه که در این کتاب آمده است، در فرآیند صدور مجوز، از متقاضی مطالبه داشته باشد. نسخه دوم الکترونیکی کتاب موصوف هم با تجدید نظر و اضافاتی منتشر شده است که در دسترس است. همه بنگاه ها می توانند به نسخه این کتاب و یا نسخه الکترونیکی آن در سایت سازمان و یا سایت فضای کسب و کار این سازمان مراجعه نمایند.

در صورت عدم انجام این وظیفه از سوی دستگاه دولتی، چه اتفاقی رخ می دهد؟

طبق همین قانون، بخش خصوصی می تواند شکایت کند و اگر واحد در سطح استان مستقر باشد، یک کمیته تحت نظارت استاندار با حضور دستگاه های مختلف تشکیل می شود و این کمیته باید ظرف پانزده روز شکایات بخش خصوصی را مورد بررسی قرار دهد. در صورت وارد بودن شکایت، آن دستگاه دولتی به بخش تخلفات معرفی می شود. در سطح ملی نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئول است و در صورت شکایت بخش خصوصی نسبت به عملکرد دستگاه های دولتی، این کمیته موظف است به شکایات رسیدگی نماید. اولین نشست هیأت رسیدگی به اعتراضات در محل این سازمان تشکیل شده است که عمده موضوعات نشست در خصوص نحوه رسیدگی به شکایات احتمالی متقاضیان بود.

برای برطرف کردن مشکلات قانونی و مقرراتی موجود چه باید کرد؟

در تبصره ۴ همین ماده (ماده ۷) پیش بینی لازم صورت گرفته است. یعنی تشکیل هیأت مقررات زدایی. این هیأت هم اینک احکام خود را از رئیس جمهور دریافت کرده است و چندین نشست برگزار کرده است. طبیعی است که فرآیند مقررات زدایی که ریشه قانونی دارد کاری مهم و در عین حال زمان بر است.

برای مثال در عمده کشورها، ثبت شرکت ها حداکثر ۲-۳ روز به طول می انجامد اما طبق قانون ثبت شرکت ها در ایران، زمانی سرمایه گذار می تواند به صورت عملیاتی فعالیت خود را آغاز نماید که آگهی تأسیس شرکت در روزنامه رسمی منتشر شود. این در حالی است که تعداد آگهی های منتشر شده در این روزنامه بسیار است و ممکن است حدود ۳ ماه انتشار اخبار تأسیس یک شرکت به تعویق افتد در حالیکه برای بخش خصوصی حتی یک روز هم دارای اهمیت است و همین بروکراسی فعالیت این واحد را به تعویق می اندازد، لذا این مشکل باید برطرف شود. از این قبیل موانع وجود دارد. برخی از موانع در طولانی شدن گردش کار ناشی

شاخصهای ده گانه به وسیله مؤسسه بین المللی تأمین مالی (IFC) تعریف شده است و هر ساله کشورهای جهان را بر پایه این شاخصهای استاندارد طبقه بندی می کند و رتبه می دهد. در سال ۱۳۸۶ رتبه خوبی نداشتیم و این رتبه نگران کننده بوده است. این شاخصها شامل طیفی از اقدامات می شود که از ابتدا تا انتهای یک عملیات اقتصادی را در بر می گیرد.

این شاخص ها شامل شروع کسب و کار، مجوز ساخت و ساز، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، موضوع اشتغال، پرداختهای مالیاتی، تجارت خارجی، اخذ اعتبارات، اجرایی شدن قراردادهای و همچنین نحوه پایان کسب و کار می شود.

چه اقداماتی برای بهبود این شاخصها شده است؟ آیا می توان امیدوار بود که رتبه ایران ارتقا یابد؟

در طول سال ۱۳۸۷ اقدامات جدی و همه جانبه ای از سوی ما برای بهبود وضعیت عملکردی این شاخصها صورت گرفت. کار سخت و نفس گیری بود. چهار شاخص به اقدامات قوه قضائیه مرتبط بود. بقیه شاخصها به دستگاه های اجرایی و شهرداری تهران ارتباط داشت. برای هر شاخص کمیته ای

شفافیت گردش کار و بازنگری مقرراتی قطعاً مؤثر و تاثیر گذار است. اما این، همه ماجرا نیست. باید به شرایط پس از ظهور و بروز یک بنگاه هم توجه شود. برای این منظور باید به ماهیت کسب و کار کشور به عنوان یک تمامیت نگاه کرد. یعنی بستریهایی که موجب بلوغ و رشد تمام عیار بنگاه های اقتصادی می شود.

از ریشه های مقرراتی و قانون گذاری است که باید اصلاح شوند.

آیا فکر می کنید که این اقدامات می تواند شرایط انجام فعالیتهای اقتصادی را برای بخش خصوصی بهبود بخشد و آیا می توان امیدوار بود که مشکلات این بخش کاهش یابد؟

شفافیت گردش کار و بازنگری مقرراتی قطعاً مؤثر و تاثیر گذار است. اما این، همه ماجرا نیست. باید به شرایط پس از ظهور و بروز یک بنگاه هم توجه شود. برای این منظور باید به ماهیت کسب و کار کشور به عنوان یک تمامیت نگاه کرد. یعنی بستریهایی که موجب بلوغ و رشد تمام عیار بنگاه های اقتصادی می شود.

برای نیل به این نگاه تمامیتی چه فکری شده است؟

یکی از اقدامات تمام عیار و جدی که در طی سال گذشته توسط این سازمان انجام شد، بهبود محیط کسب و کار کشور و با هدف گذاری تبدیل شاخصهای ده گانه بود. یعنی ده شاخصی که می تواند در کنار هم این فرآیند تکاملی را شتاب ببخشد.

این شاخص های ده گانه چیست و چه اقدامی برای آن صورت گرفته است؟

مالی ارسال شد. در حال حاضر، آنها سرگرم بررسی یافته ها هستند.

یافته های همه کشورها و اقدامات هر یک از آنها در حال واکاوی است و به نظرم نتایج قطعی در خصوص اعلام رتبه کشورها در پایان ماه جاری و یا اوایل شهریور ماه منتشر خواهد شد. به طور طبیعی انتظار داریم که شاهد جهش جدید در رتبه کشور باشیم. این اقدام علامت مثبتی به سرمایه گذاران داخلی و خارجی خواهد داد که دولت مصمم است شرایط رشد و بالندگی اقتصادی را فراهم نماید و بسترهای لازم را برای صعود بخش خصوصی فراهم آورد.

آیا این اقدامات فرجام کار است؟ مسیرهای آینده چیست؟

خبر. به نظرم این تازه شروع کار است. می دانید که محیط بین المللی، فضایی کاملاً رقابتی و سخت است. خیلی از کشورها، قبلاً شتاب گرفته اند. مثلاً در سال ۱۳۸۶ کشورهایی مثل آذربایجان، آلبانی، بلاروس، مصر و غیره اقدامات اساسی انجام داده بودند. هنوز تا رسیدن به ۵۰ کشور برتر دارای محیط سالم و روان کسب و کار، فاصله زیادی داریم. فاز دوم عملیات بهینه سازی شاخصها از نیمه دوم سال جاری (۱۳۸۸) کلید خواهد خورد. در این مرحله که سخت تر و عمیق تر است، نگاه جدی به بازسازی برخی از مقررات و قوانین جاری کشور به ویژه قانون تجارت و قانون کار است.

به بحث مقررات زدایی اشاره کردید. زمانی که اصل ۴۴ مطرح شد. مقام معظم رهبری فرمودند که یکسری از قوانین باید زوده شوند و تعدادی هم مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند. یکی از نگرانی های موجود این است که همین مقررات زدایی ها نیز در یک سیکل گردش کاری قرار می گیرند و به همین دلیل علیرغم گذشت

۲ سال از ابلاغ بند "ج" هنوز مشکلات قبلی پا برجاستند. یکی از مشکلاتی که به آن اشاره کردید، نهاد سازی است. ممکن است نهادهایی که جهت توانمند سازی بخش خصوصی و نهادینه سازی خصوصی سازی مورد نیازند، هنوز ایجاد نشده اند یا عملکرد ضعیفی دارند، اصولاً دولت نقش قابله گی خود را به خوبی ایفا نکرده است. نهادهایی که نیاز است این مقررات را بزاید؛ چیست؟ تشکیل ها؟ بخش خصوصی؟ دولت؟ مجلس؟ به اعتقاد شما دیوان سالاری موجود (به خصوص در بخش قوانین و مقررات) را چگونه می توان تسریع کرد؟ آیا راهکاری در این زمینه وجود دارد که مراحل مذکور تسهیل شوند. آیا برخی مدیران می توانند بدون در نظر گرفتن ضوابط، مراحل اجرایی و گردش کار را تسریع کنند؟

پاسخ شما دو وجه دارد. بخش اول یکسری گردش کارهایی است که ما به عنوان مجری آفریده ایم. این امور با اصلاح و بهبود روش مرتفع می شوند. اما هر جایی که مصوبه دولت وجود داشته یا قانون به آن اشاره کرده، به هیچ عنوان بدون طی کردن همین فرآیند قابلیت عملیاتی ندارد. مدیران به هیچ وجه نمی توانند عملکرد سلیقه ای داشته باشند و

ویژه زیر نظر معاونین قوه قضائیه و معاونین وزرای ذیربط و با شرکت سایر دستگاه های مرتبط تشکیل شد. همه اسناد، مدارک، روش شناسی کار، پرسش نامه ها و غیره توسط سازمان سرمایه گذاری به فارسی ترجمه شد و در اختیار کمیته ها و کارگروه ها قرار گرفت. همچنین بیش از یکصد نشست تخصصی با کمیته ها برگزار شد و چندین ویدیو کنفرانس برای هر یک از کمیته ها به صورت مستقیم با مؤسسه بین المللی تأمین مالی برگزار شد. هیأت های ارزیابی مؤسسه چندین بار به ایران سفر کردند و دو همایش بزرگ در سطح کشور برگزار شد.

نکته قابل توجه اینکه در کلیه فعل و انفعالات مذکور از نهادهای مختلف و صاحب نظران بخش خصوصی در این نشست ها حضور داشتند و این خود نقطه امیدواری و قوت کار بود. نتیجه نشست ها جالب توجه بود. به نظر می رسد که اهتمام ملی شکل گرفت است. امیدواری برای بهبود اقدامات و عملکردها مثال زدنی بود. برخی از شاخصها تحول انقلابی داشتند که این کار با بازنگری جدی در نحوه عملکرد و گردش کار رخ می داد. نتایج اقدامات از طریق تکمیل پرسشنامه ها توسط بخش خصوصی و نهادهای مستقل غیردولتی و در عین حال دستگاه های اجرایی و قانونی به طور مستقل به مؤسسه بین المللی تأمین

براساس پروتکل تعریف شده، مصوبه دولت را و یا قانون مجلس را نقض کنند.

در حال حاضر قانون تجارت ما دارای پیچیدگی‌های متعدد است که به چندین دهه پیش مربوط می‌شود. قانون کار ما نیز متناسب با وضعیت جدید نیست. بنابراین این باید فرایند ها را تسریع کرد و گاهی نیاز است این نوع امور به مجلس ارجاع شده تا حل و فصل شوند.

نکته بعد این که گاهی اوقات یکسری از قوانین مانند اصل ۴۴ یا زودن مقررات دست و پا گیر، متعالی به نظر می آید اما در زمان اجرا باز همان دیوان سالاری اداری، مشکلات متعددی را ایجاد می نمایند. برای مثال در پروژه نساجی مازندران که یک سرمایه گذار خارجی پیدا شده بود، علیرغم مساعدت مستقیم جناب عالی و توصیه مستقیم سازمان سرمایه گذاری جهت تسریع در امر موافقت نامه های سازمان های مرتبط، ریاست کمیسیون وقت صنایع و معادن مجلس جهت رفع مشکلی که در وزارت صنایع و معادن به وجود آمده بود، شخصاً مراجعه می کنند...

اتفاقاً در پروژه نساجی مازندران سریعترین اتفاق افتاده است. به این معنا که اگر به طور معمول قرار بود ۴۵ روزه مجوز سرمایه گذاری صادر شود ظرف ۴ روز این اقدام انجام شد. طبق قانون با اعضای هیأت سرمایه گذاری خارجی جلسه ای برگزار می‌شود و نمایندگان از بانک مرکزی، وزارت امور خارجه، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون در این جلسه حضور دارند و پس از مطرح شدن پروژه‌ها، به نتیجه گیری می‌رسیم و صورت جلسه به امضای نمایندگان مذکور می‌رسد. اما در زمینه پروژه نساجی مازندران با سرعت عمل کردیم. یعنی به طور جداگانه با معاون وزیر امور خارجه، معاون وزیر صنایع و معادن، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، بانک مرکزی و... موضوع را مطرح کردیم و صدور مجوز سرمایه گذاری خارجی کمتر از چند ساعت کاری به طول انجامید تا در نهایت مجوز صادر شد.

اقدامی که در خصوص نساجی مازندران صورت گرفت، می‌تواند الگویی خوبی برای آن دسته از بنگاه های اقتصادی ضررده کشور باشد. حضور سرمایه گذران خارجی می‌تواند با تزریق منابع جدید، ورود فن آوری های پیشرفته و تغییر ساختارهای مدیریتی، بنگاه را بازسازی و به سود دهی برساند.

به نظر شما چه مدلی از ساختارهای دولت می تواند زمینه ساز توسعه اقتصادی کشور را فراهم کند؟

مدل سازی از ساختارهای دولت یک بحث کاملاً نظری است، که مصداقهای آن در کشور های موفق قابل ردیابی است. به طور طبیعی هنگامی که از این ساختارها بحث می‌شود، منظور دستگاه دیوان سالاری است. دستگاه دیوان سالاری و نحوه عملکرد آن دارای دو وجه مشخص است. وجه نخست ترکیب و چیدمان نظام دیوانی است.

نظام دیوانی در این وجه مجموعه ای از نخبگان علمی کشور و فارغ التحصیلان ممتاز دانشگاهی است. به عبارتی دستگاه دیوانی باید مکان حضور بهترین ها باشد. این نظام باید بتواند بهترین ها را انتخاب و زمینه‌های جذب و استمرار فعالیت آنها را فراهم نماید. این اقدام نیمی از وجه نخست است. نیمه دوم آن است که همین نظام دیوانی باید ترتیباتی را فراهم نماید تا بر پایه معیارهای شایستگی و قابلیت‌های حرفه ای، نخبگان بتوانند از نردبان شغلی صعود کنند و به تدریج وارد عرصه‌های تصمیم گیری شوند. اینکه نظام نخبه‌گر اجازه چنین صعودی را فراهم کند، بسیار تعیین کننده است و می‌تواند موجب بروز و ظهور استعدادها در یک محیط کاملاً رقابتی شود. لذا این دستگاه دیوانی ظرفیت عمل بر اساس کنشهای هدفمند و عقلایی را خواهد داشت. اما این همه، نیمی از قضیه است.

وجه دوم چیست و چگونه وارد این ساختار می‌شود؟

گفتگوی جدی با دولت وجود دارد؟
مطالعه‌ای که با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون آن تقریباً بخش خصوصی در همه مراکز تصمیم‌گیری نظام دیوانی حاضر است. حضور در هیأت سرمایه گذاری خارجی، شورای عالی واگذاری، شورای رقابت، شورای عالی بورس، هیأت‌های تجدید نظر و غیره که این حضور مؤثر و تعیین کننده است. به طور طبیعی با این تحولات نهادی، هم دولت ظرفیت فکری و تصمیم سازی خود را افزایش خواهد داد و هم بخش خصوصی امکان ایفای یک نقش فعال را یافته و می‌تواند زمینه‌های بالقوه رشد و بالندگی بخش خصوصی باشد. لذا این خانه تکانی عملکردی و کارکردی دولت به بخش خصوصی هم سرایت خواهد کرد و می‌تواند دیوارهای بی‌اعتمادی رابطه این دو بخش را کوتاه کند.

می‌توان امیدوار بود که نهادهای بخش خصوصی هم بتوانند از پوسته بروکراتیک خویش خارج شوند و به توانمندی‌های حداکثری برای گفتگو با دولت برسند و پرچم رشد و شکوفایی اقتصادی را در

اصولاً وظیفه نهادهای دیوان سالار، ایجاد یک فضای ثبات نسبی و برقراری امنیت اجتماعی و سیاسی برای افراد از نظر اقتصادی، ثبات در نگرش به قوانین و مقررات و ایجاد فرصت های مداوم برای بخش خصوصی است. به عبارت بهتر، دولت نقش باغبان را برای تنومند سازی درخت بخش خصوصی ایفا می کند. پس در مرحله نخست دولت باید ظرفیت گفت و گو داشته باشد و به انجام گفت و گوی دائمی با بخش خصوصی بپردازد.

دست بگیرند.

اصولاً وظیفه نهادهای دیوان سالار، ایجاد یک فضای ثبات نسبی و برقراری امنیت اجتماعی و سیاسی برای افراد از نظر اقتصادی، ثبات در نگرش به قوانین و مقررات و ایجاد فرصت های مداوم برای بخش خصوصی است. به عبارت بهتر، دولت نقش باغبان را برای تنومند سازی درخت بخش خصوصی ایفا می‌کند. پس در مرحله نخست دولت باید ظرفیت گفت و گو داشته باشد و به انجام گفت و گوی دائمی با بخش خصوصی بپردازد.

اگرچه خصوصیتی که برای بخش خصوصی مطرح کردید با واقعیات موجود تطابق دارد اما این واقعیات ناشی از رفتار دولت است. بخش خصوصی از تضادهای موجود در سازمان ها و نهادهای دولتی خسته است. برای مثال در وزارت امور اقتصادی و دارایی، اندیشه شما تسهیل امور و گفت و گو با بخش خصوصی است اما سازمانی هم وجود دارد که با کوچکترین توسعه ای که در کارخانه ها رخ می دهد، مالیات های سنگین وضع می کند، اصولاً اعتمادی به واحدهای تولیدی و صنعتی ندارد، به متقاضیان بخش خصوصی، تسهیلات بانکی (به آسانی) داده نمی‌شود، حق بیمه ها نیز داستان دیگری

دارد. بخش خصوصی آنقدر درگیر مسائل درونی است که با نحوه انجام فعالیت‌های مرتبط با تشکلهای آشنایی چندانی ندارد و اکثر تشکلهای عملکرد نظام مند و جدی ندارند و امیدوی هم به رفع مشکلات خود هستند. بلکه! بخش خصوصی توانمند نیست زیرا آنقدر درگیر مشکلات متعدد است که نمی‌تواند مشاور اقتصادی استخدام کند تا مشکلات روزمره اش را مرتفع نماید. آیا سازمان متبوع شما در حوزه مدیریت می‌تواند زمینه حضور و تجربه مدیران برجسته دنیا را در بخش خصوصی فراهم آورد؟ آیا برنامه ای برای این موضوع دارید؟

بله، بخش خصوصی رشد کافی نیافته است و این عدم بالندگی تابع بی‌اعتمادی است که این هم ناشی از عملکرد نظام دیوانی بوده است. قاعدتاً دولت وظایف حاکمیتی صریح و روشنی دارد. نکته مهم این است که دولت باید مالیات را براساس قانون دریافت نماید. در تمام دنیا این مسأله مصداق دارد. مالیات از جمله مواردی است که سایر کشورها نسبت به آن برخورد قاطعانه ای دارند. در مورد بانک و بیمه نیز فضا کاملاً مشخص است. بانک های تجاری و تخصصی وظایف مشخص دارند.

بانک های تخصصی وظایف حاکمیتی و توسعه گریانه دولت را تعقیب می‌کنند و باید این کارکردها از هم تفکیک شوند. بانک های تجاری باید بتوانند به طور دقیق محاسبات سود و زیان خود را در عملیات میدانی ای و مشارکتی انجام دهند و بر پایه نحوه عملکردی خویش رتبه بگیرند و براساس رتبه از منابع مالی، به تجهیز منابع جدید بپردازند. اما بانکهای توسعه‌های وظیفه توسعه بخشی را بر عهده دارند و از حمایت‌های مالی دولت برخوردارند و به دنبال اهداف توسعه ملی هستند.

آیا این کارکردها در شرایط کنونی به خوبی پیاده سازی می‌شود؟

در مواردی خلاء نهادی داریم که باید پر شوند. تصور کنید مدیر شرکتی با سابقه ۵ سال فعالیت هستید و می‌خواهید وام دریافت نمایید. در مرحله نخست مطالعات امکان سنجی پروژه را انجام می‌دهید و سپس به بانک مراجعه می‌کنید. بانک اهلیت شما را بررسی می‌کند و در مرحله بعدی، پروژه شما مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که این ارزیابی زمان بر است. در سایر کشورها، یک سری نهادهای واسط مالی وجود دارند که شرکت های متقاضی دریافت وام را رتبه سنجی می‌کنند و شما به جای بانک ها به صورت مستقیم با آن شرکت‌ها در ارتباط هستید. شرکت های متقاضی در چند گروه تقسیم بندی می‌شوند و براساس این رتبه، سقف وام‌گیری متقاضی مشخص می‌شود.

این نوع شرکت های واسط در ایران شکل نگرفته‌اند و بسیاری از بنگاه‌های خصوصی، بدون توجه به توانمندی خود وام‌های کلانی گرفته‌اند و از ادامه فعالیت باز مانده‌اند. مثلاً شرکتی که رتبه C دارد به اندازه شرکتی با رتبه A وام گرفته است! به همین دلیل در ادامه راه از حرکت باز می‌ماند. در حالی که در سایر کشورها براساس رتبه به سراغ

شرکت های بیمه گر می‌روید و به این ترتیب ریسک تجاری شما تحت پوشش قرار می‌گیرد، اما ممکن است با این اقدامات حجم دولت بیشتر شود. در این زمینه وجود دولت کوچک یا بزرگ مطرح نیست بلکه دولت کارآمد مهم است. برخی نهادهای دولتی مانند شرکت‌های رتبه بندی یا بیمه‌گر باید راه‌اندازی شوند و به حمایت از بخش خصوصی بپردازند.

در مورد انتقال مدیریت و تکنولوژی باید بگوییم؛ که یکی از وظایف مهم سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران است. تا کنون در زمینه مسائلی مانند شیوه های تجهیز منابع مالی، تدوین بانک اطلاعات سرمایه گذاری، استفاده بهینه از انرژی، ساماندهی نظام کار و آموزش فنی و حرفه‌ای و غیره، کارگاه های آموزشی را با حضور بهترین کارشناسان و اساتید بین المللی برگزار کرده‌ایم. در مجموع انتقال مدیریت و تکنولوژی نیز علاوه بر تسهیل در امر سرمایه گذاری خارجی یکی از وظایف این سازمان است که در رابطه با آن به خوبی اطلاع رسانی نشده است.

بحث مهم دیگر، موزی بودن عملکرد سازمانهاست. هر بخش دارای یک وظیفه است. یکسری قوانین جهت تسهیل سرمایه گذاری تصویب می‌شوند. برای مثال وزارت کار و امور اجتماعی به منظور بهبود وضعیت کسب و کار و توسعه کارآفرینی در کشور، قوانینی را تصویب می‌کند اما هنگام اجرا، میان دستگاه های مختلف حالت موزی پیش می‌آید یعنی اگر قرار است قانونی اجرا شود؛ ممکن است سایر دستگاه ها به علت این که با آن دستگاه هم سطح هستند؛ آن قانون را جدی نگیرند. آیا باید نهاد سازی در این زمینه صورت بگیرد؟ ضمانت اجرای قوانین از چه مراجعی باید تأمین شود؟

به اعتقاد من بخشی از این مطلب، دارای ریشه نظری است که باید عملیاتی شود. اتفاقی که باید رخ دهد این است که نهادهایی که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند باید در فرایند ادغام و یکپارچه سازی قرار بگیرند. برای جلوگیری از موزی کاری و یا افزایش ظرفیتهای اجرایی و مقرراتی باید گفت و گوی دائمی را به هنجار تبدیل کنیم. باید به بخش خصوصی حق اعتراض و انتقاد داده شود. برای این که دولت به طور مرتب خود را بازنگری و بازسازی نماید، بخش خصوصی در این زمینه نقش همدار دهنده را ایفا می‌کند و باید این نقش را برای بخش خصوصی قائل شد. بخشی از جریان گردش کار و موزی کاری ها می‌توانند با انجام این گفت و گو ها حل و فصل شوند.

در این میان باید توجه داشت که هر دستگاهی وظایف مشخص و مربوط به خود را دارد و باید به این وظایف عمل کند به عنوان مثال وزارت بازرگانی در تنظیم بازار نقش دارد و وزارت کار و امور اجتماعی هم مسئول توسعه اشتغال و کارآفرینی در کشور است و وزارت صنایع عهده دار توسعه صنعتی کشور است. دغدغه وزارت بازرگانی تنظیم بازار است که مثلاً مبادا مردم در پایان فصل با کمبود کالاهای اساسی مواجه شوند و اقدام به واردات آنها می‌کند. این امر ممکن است کشاورزان یا صنایع را با مشکلاتی مواجه کند

ما در زمینه شاخص نبات سیاسی یکی از بنیادین ترین کشورها هستیم، از نظر امنیت اقتصادی حتی یک سنت هم به دنیا بدهی معوق نداریم. تمام تعهداتمان را پرداخت کرده ایم و در زمره خوش حساب ترین مشتریان دنیا قرار گرفته ایم. به عنوان مثال در همین سازمان، پس از انقلاب ما با برخی سازمان های بیمه گر خارجی جلساتی برگزار کردیم و تعهدات قبل از انقلاب را که مربوط به ما هم نبود به طور کامل پرداخت کردیم و این نکته برای شرکت ها و سرمایه گذاران خارجی بسیار اهمیت دارد

و بخش تولید را به خطر بیندازد. در این مرحله نیاز به هماهنگی میان دستگاه ها بیش از پیش احساس می‌شود اما در همین فرآیند نهاد سازی، باید دو اصل جدی را رعایت کنیم. یکی اصل تفکیک وظایف و کارکردی دستگاه هاست و اعتقاد به این مسأله که هر وزارتخانه، مسئولیت خاص خود را دارد و دیگر این که در عین تفکیک، دستگاه ها باید هماهنگی رفتار داشته باشند. این دو وضعیت را باید ایجاد کرد. زمره هایی پیرامون ادغام وزارتخانه ها وجود دارد. باید در این ادغام دقت کنیم و وظایف تخصصی و تفکیک عملکرد وزارتخانه ها با دقت رعایت شوند.

پرسش بعدی در مورد امنیت سرمایه‌گذاری است. یکی از مصادیق امنیت، ثبات قوانین است. قانون های خلق الساعه و دستورالعمل ها و آئین نامه ها و گاه‌ها عملکردهای سلیقه ای و تلقی های خاص از قوانین، مشکلات بسیاری را برای سرمایه گذاران و تولیدکنندگان به وجود آورده است. به عنوان مثال تولیدکنندگان پروفیل و ورقه فولادی ایرانی در یک مناقصه بین المللی پیروزی می‌شود و طبق قرارداد، محصولات آن باید صادر شود، اما مدتی بعد قانونی تصویب می‌شود که به دلیل نیاز داخلی به ورقه های فولادی، صادرات این محصول تا اطلاع ثانوی ممنوع است! به همین سادگی تولیدکننده داخلی میدان را به رقیبان خارجی واگذار می‌کند و علاوه بر زیان هنگفت، باید مبالغی نیز جهت نقض قرار داد بپردازد. با این شرایط شرکت‌های تولیدکننده به تدریج ورشکسته می‌شوند. یا مثلاً تورم ۲۵ درصد و نرخ ارز ثابت است؛ طبعاً برای تولیدکننده داخلی به دلیل اختلاف قیمت ارز، انجام صادرات مقرون به صرفه نیست با وجود این شرایط چگونه می‌توان سرمایه گذار خارجی را جذب کرد و یا امنیت سرمایه گذاری در ایران را برای آنان معنا کرد؟

سوال بسیار خوبی است. سرمایه گذار خارجی تابع شرایط درونی کشورها است و خود یک متغیر مستقل و تعیین کننده نیست. نوسان رفتار سرمایه گذاران تابعی از برخی متغیرهایی است که مورد اشاره شما قرار گرفت. لذا مطمئن باشید اگر کشوری در جذب سرمایه گذاری موفق است این موفقیت موهون بسیاری از شاخص ها است که مهمترین آن

بسیار مهمی برای آنان محسوب می‌شود. بعد دیگری از امنیت ایجاد پوشش های کافی برای مخاطرات سیاسی ناشی از مداخله دولتها در محیط کسب و کار است. این بعد از امنیت هم در تمام قراردادهای ویژه مجوز سرمایه گذاری خارجی تحت پوشش و حمایت قانونی دولت است.

آیا می‌توان ابعاد دیگری از امنیت اقتصادی را سراغ گرفت؟

موضوع دیگری که به صورت غیرمستقیم با بحث امنیت، مرتبط است، فقدان استراتژی در توسعه بخشی است. یعنی ما در توسعه صنعت استراتژی یا راهبرد مشخص عملیاتی نداریم. برای رسیدن به چشم انداز که بر اساس آن قرار است به کشور اول منطقه تبدیل شویم باید برنامه ریزی کنیم. مثلاً مشخص کنیم که در ۲۰ سال آینده، ۴ حوزه صنعتی برای ما در اولویت قرار دارد و تمام انرژی خود را معطوف آن نماییم و اگر تصمیم گرفتیم که طی ۲۰ سال آینده مثلاً به بخش فناوری‌های پیشرفته، فناوری اطلاعات، نفت و گاز و صنایع نساجی بپردازیم، باید استراتژی توسعه را بر روی آنها متمرکز کنیم و منابع خود را به این بخش‌ها اختصاص دهیم. در این زمینه باید وفاق ملی ایجاد کرد و تمام منابع ملی و بین المللی را در این بخشها بسیج کنیم و به کار بگیریم و در این میان ضمن تشویق بخش خصوصی، به سرمایه‌گذار خارجی این اطمینان را بدهیم که تا ۲۰ سال قوانین ایران تغییر نخواهند کرد و استراتژی توسعه صنعتی کشور طی این سال ها به این سمت و سو است و سرمایه گذاری‌های داخلی و خارجی در این جهات شکل می‌گیرند. این سیاست و استراتژی توسعه صنعتی است که از بنگاه های کوچک؛ شرکت‌های بسیار بزرگ را به وجود می‌آورد و پس از ۲۰ سال شرکت‌های عظیم مشابه سونی و دوو، یا به عرصه می‌گذارند. این شرکت ها در دهه های ۷۰ و ۸۰ کوچک بودند و تحت همین استراتژی توسعه، تمام بازارهای منطقه و دنیا را فتح کردند و به غول های صنعتی و اقتصادی تبدیل شدند.

یکی از ضعف های جدی ما در ساختارهای رفتاری که برخی از آن به ثبات نگرش رفتار دولت باز می‌گردد؛ فقدان استراتژی است. و این یعنی یک راهبرد حداقل ۱۰ ساله. به عنوان مثال کشور ایرلند در سال ۱۹۹۱ استراتژی توسعه صنعتی را بر پایه فناوری اطلاعات متمرکز کرد، برطبق برنامه ۱۰ ساله به پیش رفت و تمام امکانات را در این جهت صرف کرد تا این که در سال ۱۹۹۹ این کشور تبدیل به "بیر حوزه فناوری اطلاعات" شد. امروز بزرگترین شرکت های چند ملیتی و کامپیوتری ریشه ایرلندی دارند و حرف اصلی در این بخش را ایرلند می‌زند.

سرمایه گذار خارجی مزیت بازار ما را مورد مشاهده قرار می‌دهد و شرایط سرمایه گذاری در ایران را با سایر کشورها مقایسه می‌نماید و سپس تصمیم می‌گیرد که در کدام کشور به سرمایه گذاری بپردازد. بنابراین بازار امروز کاملاً رقابتی است و بسیاری از مشکلات ما در این زمینه با ارائه استراتژی و ثبات راهبردها و اعطای امتیازات ترجیحی قابل رفع است.